

SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

کارگاه آنلاین
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

بررسی سطح تحصیلات والدین و انتخاب الگوی حل مسئله در رابطه با فرزند کم توان ذهنی

نجمه عجم زبید، حسن علی محمدی

مدرس دانشگاه پیام نور گناباد

Email: ajam1359@yahoo.com

چکیده

تحقیق حاضر باهدف بررسی سطح تحصیلات والدین و انتخاب الگوی حل مسئله در بین خانواده‌های دارای فرزند کم توان ذهنی شهرستان گناباد در سال ۱۳۹۳ انجام شده است. این پژوهش مقطعی، در سطح علی و با تکنیک پیمایش صورت گرفته است. جامعه آماری شامل خانواده‌های دارای فرزند کم توان ذهنی گناباد است که حدود ۳۰۰ خانواده بودند. حجم نمونه ۱۶۹ خانواده برآورد شده که به کمک روش نمونه‌گیری ساده انتخاب گردیده‌اند. برای دستیابی به این هدف به‌عنوان مبانی اصلی پژوهش از مقیاس سبک حل مسئله زوریلا و گلدفرد استفاده نمودیم. یافته‌ها نشان می‌دهد که تحصیلات پدر بر روی ابعاد جهت‌گیری منفی به مسئله، سبک تکانشی و سبک اجتنابی از ابعاد الگوی حل مسئله همبستگی از نوع منفی دارد. تحصیلات مادر نیز تنها بر بعد سبک تکانشی تأثیر نداشته و همبستگی و رابطه تحصیلات مادر نسبت به تحصیلات پدر بر روی ابعاد مختلف الگوی حل مسئله، بیشتر می‌باشد.

کلید واژه‌ها: سطح تحصیلات، الگوی حل مسئله، کم توان ذهنی

فرآیند تولد نوزاد با رنج‌های فراوانی همراه است لیکن برای والدین لذت‌بخش می‌باشد. باوجود بسیاری از مشکلات که والدین برای تولد فرزند خود متحمل می‌شوند امید به سالم و طبیعی بودن کودک معمولاً موجب احساس اعتماد در آن‌ها و در نتیجه پذیرش کودک می‌گردد. به‌محض آگاه شدن والدین از معلولیت فرزند، تمام آرزوها و امیدهای آن‌ها مبدل به یاس شده و مشکلات، شروع می‌شود.

مسائل معلولیت منحصر به یک فرد نیست بلکه خانواده دارای فرزند معلول، یک خانواده معلول و مشکل‌دار است. (کرنیک، فریدریک و گرین برگ ۱۹۸۳) (رابینسون و ناسی، ۱۹۸۷) در جوامع در حال توسعه و به‌ویژه ایران همراه با گذر از سنت به مدرنیته در شیوه نگرش و رفتار افراد و خانواده‌ها تغییراتی به وجود آمده است. لذا آگاهی والدین از مهارت‌های لازم برای برخورد با مسائل می‌تواند موجب کاهش تنش‌های درون خانواده و برخورد اصولی و منطقی با مسائل و مشکلات شود (داور منش و براتی، ۱۳۸۵). بر اساس نتایج سرشماری ۱۳۹۰ نزدیک به یک میلیون و پنجاه‌هزار نفر از جمعیت ایران دچار معلولیت هستند که از این تعداد حدود سیصد و پنجاه‌هزار نفر از آنان دارای اختلال ذهنی هستند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). برخورداری والدین از مهارت‌های لازم برای برخورد با مسائل و آشنایی اعضای خانواده با مهارت حل مسئله می‌تواند موجب کاهش تنش‌های درون خانواده و روبرویی اصولی و منطقی با مسائل و مشکلات شود (ایمان و افراسیابی، ۱۳۸۶).

به نظر می‌رسد یکی از راه‌های رسیدن به الگوی کارآمد حل مسئله در خانواده فرزند معلول بالا بودن سطح تحصیلات والدین است. باید دانست که عوامل متعددی بر نگرش والدین از خود و اعضای خانواده‌ی خود مؤثر است، از آن جمله می‌توان به عوامل اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی حاکم بر خانواده اشاره کرد که ارتباط مستقیم با سطح سواد و تحصیلات خانواده دارد. شخص باسواد امکان سلامت اقتصادی و تصمیم‌گیری بیشتری دارد و چنین انسانی نسبت به خود و فکر و فرهنگ جامعه بصیرت بیشتری دارد. بی‌سوادی در تمام ابعاد زندگی انسان می‌تواند تأثیر بسزایی داشته باشد، مخصوصاً در بهداشت، رشد اقتصادی، رشد فرهنگی، رشد و تربیت فرزندان، بی‌نظمی و ناهنجاری کودکان، رشد اشتغال و غیره. معمولاً افرادی که در سطح پایین اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، زندگی می‌کنند، سطح تحصیلات کمتری نسبت به افراد همسال خود دارند و میزان تحصیلات در این خانواده‌ها به‌شدت افت پیدا می‌کند.

یکی از مباحثی که در زمینه امور معلولین مطرح است پرداختن به نقش والدین در زندگی افراد معلول است اهمیت این بحث وقتی دوچندان می‌گردد که بر این موضوع واقف باشیم که در جامعه ما از یک طرف خانواده نهادی است که بار اصلی معلولیت افراد را بر دوش می‌کشد؛ و از طرفی دیگر والدین بستر رشد افراد است و بی‌شک نقش تعیین‌کننده‌ای در رشد یا عدم رشد افراد دارد که این ویژگی برای افراد معلول بسیار قابل توجه است. اصولاً وقتی والدین در مرحله مواجهه با مسئله معلولیت قرار می‌گیرند واکنش اولیه نسبت به آن می‌تواند در شکل‌گیری روابطش با معلولین بسیار تعیین‌کننده باشد. واکنش‌های منفی یا واکنش‌های مثبت که به نظر می‌رسد این واکنش‌ها تا حدودی به سطح تحصیلات والدین بستگی دارد. حال این سؤال مطرح می‌شود که چرا گروهی از خانواده‌ها پس از آگاهی از معلولیت یکی از اعضای خانواده‌ی خود تسلیم یاس و ناامیدی می‌شوند؛ اما گروهی دیگر نه؟

بر همین اساس ما به دنبال پاسخ پرسش‌های زیر هستیم: الف- خانواده‌ها با مسئله معلولیت ذهنی فرزند خود چگونه کنار می‌آیند؟ ب- سطح تحصیلات به همراه چه عامل‌هایی سبب انتخاب نوع و سبک مقابله برای حل این مسئله می‌شود؟ از آنجاکه صد درصد نمی‌توان اقدامی کرد که افراد در زندگی با مشکل، دردسر و گرفتاری روبرو نشوند، بجاست آن‌ها آموزش ببینند که در مواجهه با موقعیت‌های مسئله آمیز به شیوه‌ای مناسب‌تر عمل کنند. بعضی از افراد حتی قادر به برطرف کردن مسائل روزمره خود نیستند و در مقابل کوچک‌ترین مسئله یا مشکلی دچار پریشانی، دستپاچگی و آشفتگی می‌شوند. مهارت حل مسئله یکی از کارکردهای عالی ذهن است که اکتساب آن معمولاً به آموزش نیاز دارد. زوربلا و گلد فرد سبک حل مسئله اجتماعی را با ۵ خرده مقیاس بیان می‌کند: مقیاس جهت‌گیری مثبت به مسئله، جهت‌گیری منفی به مسئله، حل مسئله منطقی، سبک تکانشی | بی‌احتیاط، سبک اجتنابی. ما در این تحقیق تعریف زوربلا از سبک حل مسئله اجتماعی را مدنظر قرار می‌دهیم (زوربلا و ونز، ۲۰۰۲).

پژوهشی توسط حسین افراسیابی در سال ۱۳۸۶ انجام‌گرفته با عنوان ارزیابی الگوی اثربخش مسئله‌یابی و حل مسئله جوانان توسط والدین» و به این نتیجه رسید که تقریباً بیش از نیمی از والدین در حل مسائل جوانان خود در سطح پایین‌تر از اطلاعات اثربخشی قرار دارند (افراسیابی، ۱۳۸۶). تحقیقی با عنوان «معلولیت، فقر و طرد اجتماعی» توسط فاطمه صفری در سال ۱۳۸۷ ارائه‌شده است و نتیجه این بود که افراد معلول به دلیل محرومیت درآمندی و فقدان اعتبارات لازم جهت اجرای قانون جامع حمایت از حقوق معلولان، در شمار فقیرترین و مطرودترین افراد جامعه قرار دارند (صفری و حسینی، ۱۳۸۷).

طباطبائی یزدی (۱۳۶۴) در تحقیقی پیرامون «رابطه سطح تحصیلات والدین و پیشرفت دانش آموزان در سه مقطع ابتدایی، راهنمایی و دبیرستان» به این نتیجه رسیده است که بین تحصیلات والدین و معدل نمره‌های درسی دانش آموزان رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد. در مقاطع ابتدایی و راهنمایی، تحصیلات مادر به همان اندازه در پیشرفت تحصیلی فرزند مؤثر است که تحصیلات پدر مؤثر است، از این لحاظ بین این دو تفاوت معنی‌داری وجود ندارد (طباطبائی یزدی، ۱۳۶۴). شعبانی اصفهانی (۱۳۷۰) در تحقیقی با عنوان «رابطه کم‌سوادی و بی‌سوادی والدین» به این نتیجه رسیده است که نسبت دانش آموزان ناموفق شده در بین دانش‌آموزانی که مادر یا پدر بی‌سواد دارند بسیار بالا بوده و این امر زبان‌های اقتصادی و مالی فراوانی برای خانواده و جامعه به بار می‌آورد و باید مسئولین درصدد رفع این نقیصه باشند (شعبانی اصفهانی، ۱۳۷۰).

محبی (۱۳۷۷) در تحقیقی دیگر پیرامون «سواد والدین و عمل کرد تحصیلی دانش آموزان کلاس پنجم ابتدایی منطقه‌ی چهار کرج» به این نتیجه رسیده است که بین عملکرد دانش‌آموزانی که دارای والدینی باسواد هستند و دانش‌آموزانی که والدین بی‌سواد دارند تفاوت معناداری وجود دارد؛ به این معنا که سواد والدین در پیشرفت تحصیلی فرزندان اثرات مثبتی دارد (محبی، ۱۳۷۷).

کاووسی (۱۳۸۲) در تحقیقی پیرامون «تأثیر مطالعه‌ی والدین بر پیشرفت تحصیلی فرزندان» به این نتیجه رسیده است که میزان علائق والدین به مطالعه و توجه به علم از جمله عوامل انگیزشی مؤثر در پیشرفت تحصیلی فرزندان است؛ یعنی اگر در خانواده‌ای والدین به مطالعه بپردازند به‌مرور علاقه‌ی دانش‌آموز به مطالعه نیز افزایش می‌یابد و این امر باعث می‌شود فرزندان در امر تحصیل پیشرفت کنند (کاووسی، ۱۳۸۲).

بنابراین، با توجه به مبانی نظری و پیشینه‌ی پژوهشی موجود می‌توان انتظار داشت که با افزایش شناخت علمی والدین، سطح تحصیلات و توجه به نقش اساسی آن در حفظ تعادل روانی اجتماعی خانواده، گام مهمی در جهت به‌کارگیری الگوی حل مسئله کارآمد برداشته می‌شود. از یک سو، افراد دارای تحصیلات بالاتر قادر هستند به گونه‌ی فعال، موقعیت‌های مختلف فرزندان کم‌توان ذهنی خود را واقع‌بینانه ارزیابی کنند و در مورد آن‌ها تصمیم بگیرند.

روش

این مطالعه پژوهشی، توصیفی تحلیلی از نوع مقطعی است. واحد تحلیل و مشاهده والدین کودکان کم‌توان ذهنی. جامعه آماری این پژوهش والدین کودکان کم‌توان ذهنی شهرستان گناباد در سال ۱۳۹۳ است که با آمارهای گرفته‌شده از اداره بهزیستی تعداد این خانواده‌ها حدود ۳۰۰ نفر بودند. حجم نمونه انتخاب‌شده بر اساس نمونه‌گیری تصادفی و با استفاده از جدول مورگان ۱۶۹ به دست آمد (مورگان، ۲۰۰۳). ابزار اندازه‌گیری پرسشنامه-

ی تجدیدنظر شده سبک حل مسئله زوریلا می‌باشد. در ایران مخبری، درتاج و دره کردی (۱۳۸۹)، ضریب آلفای ۰/۸۵ را برای پنج عامل سنجیده شده و ضریب پایایی باز آزمایی ۰/۸۸ را برای پرسشنامه حل مسئله اجتماعی کوتاه شده به دست آوردند. همچنین در این تحقیق بررسی ساختار عاملی بیانگر وجود پنج عامل اشاره شده در بالا می‌باشد. (به نقل از عادل مخبری و همکاران، ۱۳۹۰). تجزیه و تحلیل اطلاعات در محیط نرم‌افزاری SPSS و با استفاده از شاخص‌های توزیع فراوانی و میانگین، آزمون‌های آماری همبستگی اسپیرمن انجام شد.

نتایج

با توجه به نتایج جداول، جهت‌گیری منفی به مسئله کلیه سطوح تحصیلات پدران دارای میانگین برابر می‌باشند و این یعنی اینکه میزان تحصیلات تأثیری در این بعد ندارد. در حالی که در ابعاد «جهت‌گیری مثبت به مسئله» و «سبک اجتنابی»، سطح تحصیلات فوق‌لیسانس و بالاتر، بعد «حل مسئله منطقی»، سطوح تحصیلات بی‌سواد و زیر دیپلم، بعد «سبک تکانشی»، سطح تحصیلات بی‌سواد دارای بیشترین میانگین نسبت به سطوح دیگر هستند.

میانگین و انحراف معیار سطح تحصیلات مادر را در هریک از ابعاد الگوی حل مسئله نشان می‌دهد. در ابعاد «سبک تکانشی»، «سبک اجتنابی» و «جهت‌گیری منفی به مسئله»، کلیه سطوح تحصیلات دارای میانگین برابر می‌باشند و در واقع میزان تحصیلات تأثیری در این ابعاد ندارد. همچنین در بعد «جهت‌گیری مثبت به مسئله»، سطوح تحصیلات بی‌سواد و زیر دیپلم و بعد «حل مسئله منطقی»، سطح تحصیلات زیر دیپلم، دارای بیشترین میانگین نسبت به سطوح دیگر هستند.

جدول: آزمون فرضیات مربوط به تحصیلات والدین و الگوی حل مسئله

نوع آزمون	سطح		شدت رابطه		سطح		نتیجه
	معنی‌داری	نتیجه	تحصیلات مادر	نتیجه	معنی‌داری	تحصیلات پدر	
اسپیرمن	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه	۰/۰۰۲	رد فرضیه	۰/۰۳۵	۰/۰۰۰	جهت‌گیری مثبت به مسئله
اسپیرمن	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه	۰/۰۰۲	تأیید فرضیه	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۱	جهت‌گیری منفی به مسئله
اسپیرمن	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه	۰/۰۷۴	رد فرضیه	۰/۰۸۶	۰/۰۰۰	حل مسئله منطقی
اسپیرمن	۰/۰۱۵	رد فرضیه	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه	۰/۰۰۰	-۰/۰۵۷	سبک تکانشی
اسپیرمن	۰/۰۰۰	تأیید فرضیه	۰/۰۱۴	تأیید فرضیه	۰/۰۰۰	-۰/۰۰۵	سبک اجتنابی

تحصیلات پدر بر روی ابعاد جهت‌گیری منفی به مسئله، سبک تکانشی و سبک اجتنابی از ابعاد الگوی حل مسئله به ترتیب به میزان ۰/۰۵۷، ۰/۰۰۱ و ۰/۰۰۵ همبستگی از نوع منفی دارد.

تحصیلات مادر نیز تنها بر بعد سبک تکانشی، هیچ‌گونه تأثیری ندارد و فرض عدم وجود همبستگی پذیرفته می‌شود. همبستگی و رابطه تحصیلات مادر نسبت به تحصیلات پدر بر روی ابعاد مختلف الگوی حل مسئله، بیشتر می‌باشد.

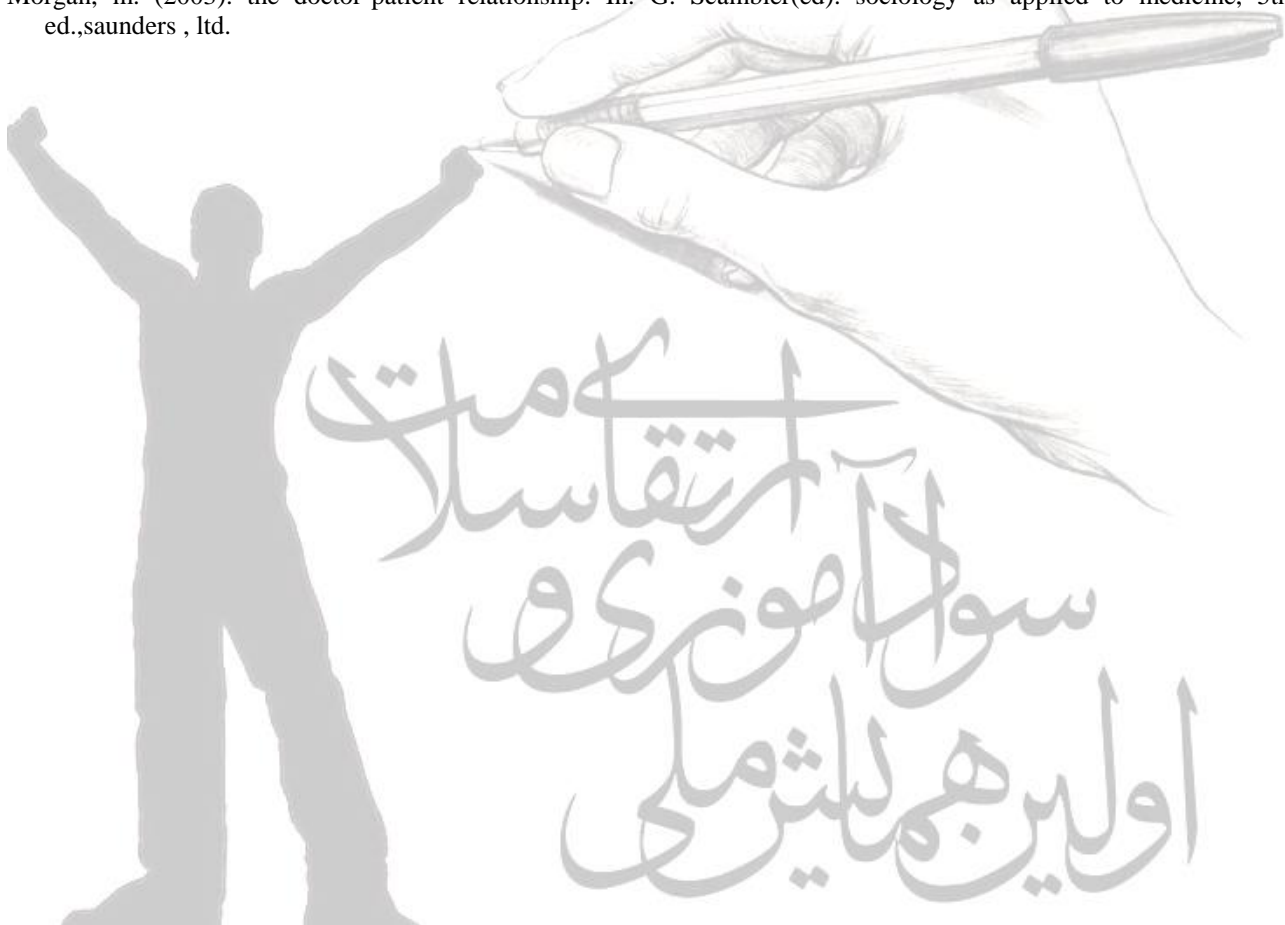
بحث و نتیجه‌گیری

نتایج نشان می‌دهد که سطح سواد اغلب والدین کودکان کم‌توان، زیر دیپلم (شامل ابتدایی، سیکل، متوسطه و دیپلم) می‌باشد و تنها ۱۴ درصد والدین، فوق‌دیپلم و لیسانس هستند. همچنین ابعاد: جهت‌گیری منفی به مسئله، حل مسئله منطقی و سبک اجتنابی هریک به میزان به ترتیب، ۰/۰۴۱، ۰/۰۴۸ و ۰/۰۴۹ با شغل پدر ارتباط معکوس دارند. همچنین مقوله «چگونه به دست آمدن اطلاعات» از سرمایه فرهنگی با دو بعد حل مسئله منطقی و سبک تکانشی از ابعاد الگوی حل مسئله، با توجه به سطح معنی‌داری بیشتر از ۰/۰۵، ناهمبسته می‌باشد.

نتیجه این تحقیق با نتایج تحقیقات ذکر شده مشابه و همسو است. با توجه به مبانی نظری و تحقیقات انجام گرفته، تمام این محققان بیان کرده‌اند که خانواده‌های دارای کودک کم‌توان ذهنی، دامنه ارتباطات اجتماعی کمتری داشته و دارای روابط محدودتری هستند و از نظر اجتماعی منزوی و گوشه‌گیرند. پژوهش ما نشان داد که بین نوع شغل و سن و تحصیلات والدین با الگوی حل مسئله کارآمد، رابطه معناداری وجود دارد؛ و نیز تحصیلات تأثیری بر سبک اجتنابی حل مسئله ندارد ولی در سبک‌های دیگر حل مسئله مانند دیگر متغیرها تأثیرگذار هستند. این به این معناست که افرادی که دارای سطح تحصیلات پایین هستند نیز از حل مسئله فرزندشان اجتناب نمی‌کنند و برای رفع مشکل اقدام لازم را مدنظر دارند.

منابع

- ایمان، محمدتقی، افراسیابی، حسین. (۱۳۸۶). «*رزیابی الگوی اثربخش مسئله یابی و حل مسئله جوانان توسط والدین*». فصلنامه. مطالعات جوانان، شماره ۸، صص ۸۷-۱۰۴.
- داور منش، عباس، براتی سده، فرید. (۱۳۸۵). *مقدمه‌ای بر اصول توان‌بخشی معلولان*، تهران: نشر رشد.
- رایبسون، نانسی‌ام و رایبسون، هالبرت بی، ۱۳۶۶. «*کودک عقب‌مانده ذهنی*». ترجمه فرهاد ماهر، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- صفری، فاطمه، حسینی، سید حسن. (۱۳۸۷). «*معلولیت، فقر و طرد اجتماعی*». فصلنامه علمی پژوهشی رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره ۳۰ و ۳۱، صص ۲۸۴-۲۶۵.
- مخبری، عادل، درتاج، فریبا، دره کردی، علی، (۱۳۹۰). *بررسی شاخص‌های روان‌سنجی و هنجاریابی پرسشنامه توانایی حل مسئله اجتماعی*، فصلنامه اندازه‌گیری تربیتی شماره ۴، سال اول، زمستان ۸۹.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰)، *آمار معلولین کشور بر اساس نتایج سرشماری*، تهران: مرکز آمار ایران.
- D'Zurilla, T. J., Nezu, A. M., & Maydeu-Olivares, A. (2002). "Manual for the social problem solving inventory-revised" (pp.211-244). Nourth Tonawanda, TY: Multi- Health Systems.
- Morgan, m. (2003). the doctor-patient relationship. In: G. Scambler(ed). sociology as applied to medicine, 5th ed.,saunders , ltd.



SID



سرویس های ویژه



سرویس ترجمه تخصصی



کارگاه های آموزشی



بلاگ مرکز اطلاعات علمی



سامانه ویراستاری STES



فیلم های آموزشی

کارگاه های آموزشی مرکز اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی

توجه: بررسی مقاله ای متون (مقدماتی)

کارگاه آنلاین
بررسی مقابله ای متون (مقدماتی)

PROPOSAL
پروپوزال

توجه: پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

کارگاه آنلاین
پروپوزال نویسی و پایان نامه نویسی

ISI
Scopus

توجه: آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو

کارگاه آنلاین آشنایی با پایگاه های اطلاعات علمی بین المللی و ترند های جستجو